

The Role of Emotional Characteristics of Single Children in Threatening Family Psychological

Jafar Saharkhiz

Master of Science, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute; Advanced Level Student of Jurisprudence and Principles, Qom, Iran.
saharkhizjafar310@gmail.com

Abstract

Psychological security, defined as a relative sense of freedom from danger, plays a foundational and essential role in both the individual and social lives of human beings. This form of security is a necessary condition for the effectiveness of objective security, meaning that unless individuals feel secure on a psychological level, objective security cannot create tranquility or enable optimal functioning. In this context, the family, as the primary and central social institution, bears the crucial responsibility of establishing and enhancing this security. The primary objective of this research is to analyze the emotional characteristics of only children and their role in threatening the psychological security of the family. In contemporary societies, significant changes in family structure—including declining fertility rates and, notably, the emergence of the single-child family pattern—are considered serious threats to the psychological well-being of families. This phenomenon is also increasing in Iranian society; therefore, gaining an accurate understanding of its emotional and psychological consequences is of utmost importance. The present study was conducted using a descriptive-analytical method, involving a systematic review of authoritative scientific texts in the fields of family psychology and psychological security. Single-child families face structural limitations in fulfilling diverse social roles and are deprived of the valuable capabilities and skills that typically develop through natural sibling relationships. Consequently, the most significant emotional characteristics identified in only children include intense emotional dependency, excessive demands, self-centeredness, a lack of resilience when facing problems, chronic feelings of loneliness, fear of rejection, low self-confidence, and difficulty forming healthy emotional relationships, premature pseudo-maturity, lack of emotional independence, reduced life satisfaction and happiness, and a tendency toward extreme perfectionism. These characteristics, through multiple mechanisms—such as a significant reduction in social skills, difficulty managing and regulating emotions, pathological emotional dependency on parents, and decreased psychological flexibility—directly and indirectly affect and threaten the psychological security of the entire family system. The results of this study clearly demonstrate that being an only child can have significant negative effects on the development of a child's emotional personality and can naturally undermine the foundation of the family's psychological security. Conversely, it is emphasized that if a foundation of

Cite this article: Saharkhiz, J. (2025). The Role of Emotional Characteristics of Single Children in Threatening Family Psychological. *Social-Cultural Studies of Hawzah*. 9(2), p. 179-196. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.71834.1424>

Received: 2025-04-18 ; **Revised:** 2025-05-16 ; **Accepted:** 2025-06-20 ; **Published online:** 2025-10-02

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



<https://gnoe.bou.ac.ir/>



psychological security is properly established within the family, it can significantly mitigate these challenges and foster the development of children with healthy, adaptable, social, self-confident, and responsible characters. Raising family awareness about these consequences will be an effective step toward reducing these threats and strengthening the psychological foundation of families.

Keywords: Security, Psychological Security, Family, Single-Child, Emotional Characteristics.

نقش ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان در تهدید امنیت روانی خانواده

جعفر سحرخیز

کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ طلبه سطح عالی فقه و اصول، قم، ایران.
saharkhizjafar310@gmail.com

چکیده

امنیت روانی که به‌عنوان احساس نسبی رهایی از خطر تعریف می‌شود، نقشی زیربنایی و اساسی در حیات فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند. این امنیت شرط لازم برای اثربخشی امنیت عینی است؛ به این معنا که تا زمانی که افراد در سطح روانی احساس امنیت نکنند، امنیت عینی قادر به ایجاد آرامش و عملکرد مطلوب نخواهد بود. در این میان، خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین و کانونی‌ترین نهاد اجتماعی، مسئولیت خطیر ایجاد و ارتقای این امنیت را برعهده دارد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان و نقش آن در تهدید امنیت روانی خانواده است. در جوامع کنونی، تغییرات گسترده در ساختار خانواده ازجمله کاهش نرخ فرزندآوری و به‌ویژه ظهور الگوی تک‌فرزند، به عنوان یک عامل تهدیدکننده جدی برای امنیت روانی خانواده‌ها قلمداد می‌شود. در جامعه ایران نیز این پدیده رو به گسترش است؛ بنابراین، شناخت دقیق پیامدهای عاطفی و روانشناختی آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه و بررسی نظام‌مند متون معتبر علمی در حوزه‌های روانشناسی خانواده و مطالعات امنیت روانی انجام شده است. خانواده‌های تک‌فرزند با محدودیت‌های ساختاری در ایفای نقش‌های متنوع اجتماعی مواجه هستند و از قابلیت‌ها و مهارت‌های ارزشمندی که در بستر طبیعی روابط بین خواهر و برادران شکل می‌گیرد، محروم می‌مانند. بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی‌های عاطفی شناسایی‌شده در تک‌فرزندان شامل مواردی همچون وابستگی عاطفی شدید، پرتوقعی، خودمحوری، عدم تاب‌آوری در برابر مشکلات، احساس تنهایی مزمن، ترس از طرد شدن، ضعف در اعتمادبه‌نفس و برقراری روابط احساسی سالم، بلوغ نابهنگام کاذب، نداشتن استقلال عاطفی، کاهش رضایت و نشاط در زندگی و گرایش به کمال‌طلبی افراطی است. این ویژگی‌ها از طریق مکانیسم‌های متعددی همچون

استناد به این مقاله: سحرخیز، جعفر (۱۴۰۴). نقش ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان در تهدید امنیت روانی خانواده. مطالعات فرهنگی/اجتماعی

حوزه، ۹(۲)، ص ۱۷۹-۱۹۶. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.71834.1424>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده: جعفر سحرخیز / نویسنده‌ان دارای حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.





کاهش چشمگیر مهارت‌های اجتماعی، ضعف در مدیریت و تنظیم هیجانات، وابستگی عاطفی بیمارگونه به والدین و کاهش انعطاف‌پذیری روانی، به طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت روانی کل نظام خانواده را تحت تأثیر قرار داده و تهدید می‌کنند. نتایج این مطالعه به وضوح روشن می‌کند که تک‌فرزندی به‌خودی‌خود می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی در شکل‌گیری شخصیت عاطفی فرزند داشته و به‌صورت طبیعی بستر امنیت روانی خانواده را مخدوش نماید. در نقطه مقابل، تأکید می‌شود که اگر زمینه امنیت روانی در خانواده به درستی فراهم شود، می‌تواند تا حد زیادی این چالش‌ها را تعدیل کرده و به پرورش فرزندان با شخصیتی سالم، سازگار، اجتماعی، بااعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌پذیر منجر گردد. آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها در مورد این پیامدها، گام مؤثری در کاهش این تهدیدات و تقویت بنیان روانی خانواده‌ها خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: امنیت روانی، خانواده، تک‌فرزندی، والدین.



۱. مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم و اثرگذار در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، اجتماعی، تعامل‌ها و روابط سیاسی، اقتصادی، شغلی و قضایی، «امنیت» و نقش زیربنایی و مهم آن در همه عرصه‌ها است. افراد به دلیل ترس از محرک‌های واقعی، احتمالی یا خیالی به شدت به احساس امنیت میل دارند. این مسئله بسیار حائز اهمیت است که در قاموس اندیشه سیاسی و اجتماعی اسلام، کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که هم‌سنگ و هم‌ردیف با واژه امنیت قرار گیرد (صمدی ارزگانی، ۱۳۸۷). امام صادق (ع) نعمت امنیت را از اساسی‌ترین نیازهای بشر در زندگی دنیوی شمرده و هیچ‌کس را از آن بی‌نیاز ندانسته، می‌فرماید: سه چیز است که همه مردم بدان محتاج‌اند: اولین آن امنیت؛ سپس عدالت و رفاه است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۲۳۲). در این روایت، نعمت امنیت به دلیل نقش بنیادی و حیاتی‌اش، بر دیگر نعمت‌ها مقدم شده است؛ چون بسترساز کسب دیگر نعمت‌ها است؛ چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است: آسایش و شیرینی مواهب دنیا در پرتو امنیت، لذت‌بخش و گوارا است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۸)؛ در جایی دیگر نیز فرموده است: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد» (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۴۴). از میان اقسام امنیت، امنیت روانی اهمیت ویژه و جایگاهی محوری دارد؛ امنیت روانی به این دلیل حائز اهمیت است که صرف نبود تهدیدها و کاستن عوامل ناامنی، گرچه بسترساز تأمین امنیت است، اما کافی نیست. امنیت عینی زمانی اثربخش است که وجود آن احساس شود و افراد از نظر روانی هم احساس امنیت کنند. بنابراین، امنیت، آمیزه‌ای از وضعیت و عوامل عینی و احساسی و روانی است و تهدید هریک از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، شغلی، فرهنگی و... به‌مثابه کاهش امنیت در آن جنبه‌ها است. هر یک از جنبه‌های زندگی دستخوش ناامنی و تهدید شود، دل و روح افراد نیز دچار تهدید و ناامنی می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). مکاتب روان‌درمانی، اهداف اصلی خود را زدودن نشانه‌های اضطراب و پدید آوردن احساس امنیت روانی قرار داده‌اند (جیمز، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸). در این میان، خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع است. پرداختن به آن بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی خود، همواره موجب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط و نابودی او بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز و امنیت‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این‌رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمارد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند. هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان، از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد (شریفی، ۱۳۷۶، ص ۷۲-۷۴). با این‌همه، یکی از مسائل و دغدغه‌های مهم فردی و خانوادگی حتی در عرصه حکمرانی در جامعه کنونی، موضوع عدم تمایل زن و شوهر به داشتن فرزندان متعدد است؛ در دوران گذشته، الگوی غالب، خانواده‌های گسترده همراه با فرزندان زیاد بود. پس از اجرای سیاست کنترل جمعیت، نرخ باروری با



سرعت بی سابقه پایین آمد؛ به طوری که میزان باروری کل تعداد فرزندان زنده‌ای که هر زن در طول دوره باروری به دنیا می‌آورد، از ۳/۶ فرزند به‌ازای هر زن در سال ۱۳۶۵ با شیبی تند در سال ۱۳۷۱ به ۴ فرزند برای هر زن، در سال ۱۳۷۵ به ۵/۲ فرزند، در سال ۱۳۷۹ به سطح جانشینی حدود ۱/۲، در سال ۱۳۸۵ به زیر سطح جانشینی ۸/۱ و در نهایت در سال ۱۳۹۰ به ۷/۱ فرزند به‌ازای هر زن کاهش و به موازات، این روند کاهنده نسبت خانواده‌های تک‌فرزند افزایش یافت. آمار منتشر شده مرکز آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵ نسبت تعداد خانوارهای تک‌فرزند به کل خانوارهای کشور ۸/۱۳ درصد بوده که این نسبت در سال ۱۳۷۵ به ۲/۱۷ درصد، در سال ۱۳۸۵ به ۹/۲۳ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۵/۲۸ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲). این نوع تک‌فرزندی ارادی و تغییر در ساختار خانواده و کاهش تعداد فرزندان، روابط درون خانواده را نیز تغییر داده است. خانواده‌های تک‌فرزند با محدودیت‌های ایفای نقش مواجه‌اند؛ زیرا حامل نقش فرزند امکان ایفای نقش خواهر یا برادر را ندارد و از قابلیت‌ها و مهارت‌هایی که در روابط بین خواهر و برادران شکل می‌گیرد، محروم است (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶).

تک‌فرزندی و پیامدهای آن، تهدیدی برای امنیت روانی خانواده محسوب می‌شود؛ پیامدهای منفی تک‌فرزندی و ویژگی‌های تک‌فرزندان از ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری در تهدید امنیت خانواده قابل بررسی است که در این پژوهش به بررسی ابعاد عاطفی آن پرداخته می‌شود؛ چه آنکه علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده در خصوص تک‌فرزندی، پژوهش مستقلی به تبیین تحلیلی رابطه ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان در تهدید امنیت روانی خانواده پرداخته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. مفهوم امنیت

واژه امنیت، مصدر جعلی از ماده «امن» است، کلمه «امن» در لغت به معنای اطمینان خاطر، احساس آرامش و نبود هراس و نگرانی است. بر اساس این تعریف، واژه‌های امن و امنیت، هر دو دربردارنده ابعاد ایجابی و سلبی است؛ یعنی از یک‌سو، بیانگر اطمینان و آرامش روانی و از سوی دیگر بیانگر نبود ترس و نگرانی هستند (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۹۱).

۲-۲. مفهوم امنیت روانی

امنیت روانی به معنای احساس نسبی رهایی از خطر است. رهاورد این احساس، حالتی خوشایند است که آرامش جسمی و روانی را به دنبال دارد (همان).

۲-۳. مفهوم تک‌فرزندی

خانواده‌های تک‌فرزند به دو نوع «تک‌فرزندی طبیعی» و «تک‌فرزندی ارادی» تقسیم می‌شود.



تک‌فرزندى طبیعى که پیش‌تر بیشتر رخ می‌داد، در اثر میل و خواسته خانواده‌ها نبود؛ بلکه شرایط، از جمله وضعیت نامساعد بهداشت و مرگ‌ومیر فرزندان سبب آن می‌شد. اما در جامعه امروز، نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری و تعداد فرزندان تغییر کرده و خانواده‌ها به «تک‌فرزندى ارادى» گرایش پیدا کرده‌اند. این نوع تک‌فرزندى به دلیل شرایط نامساعد بهداشتى و مرگ‌ومیر بالا نیست؛ بلکه والدین به طور ارادى و دلخواه خود، به یک فرزند بسنده می‌کنند (شجاعى و یزدخواستى، ۱۳۹۶).

۳. ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان و تهدید امنیت روانی خانواده

براساس پژوهش‌های انجام شده، یکی از عوامل اساسی و مرتبط با جو عاطفی خانواده، ایجاد امنیت روانی است. اگر زمینه امنیت روانی در خانواده ایجاد شود، والدین فرزندانى باشخصیت، سازگار، باعاطفه، اجتماعى، با اعتمادبه‌نفس، مسئولیت‌پذیر و منطقی خواهند داشت (همدانى، بی‌تا). برخى از روان‌شناسان معتقدند زمان اصلی رشد و تربیت کودک، همان سال‌های اول زندگى است و بخش عمده شخصیت کودک، در سال‌های پیش از مدرسه شکل می‌گیرد؛ از این‌رو محیط رشد کودک در سال‌های ابتدایى می‌بایست سالم و غنى باشد. یکی از عوامل بسیار مهم و بی‌بدیلی که سبب غنى شدن محیط رشد کودکان در خانواده می‌شود، خواهران و برادران و تعامل با آنهاست. در صورتی که محیط خانواده به لحاظ تعدد فرزندان غنى باشد، کودکان و نوجوانان به دلیل تعامل بیشتر با یکدیگر در ابعاد عاطفی، اخلاقى و اجتماعى، رشد، پختگى و مهارت‌های بیشتر و بهتری خواهند داشت. اثر تعدد فرزند، هم به‌عنوان یک عامل محافظتى در بین خانواده‌ها و اعضاى آن و سپس در اجتماع مطرح شدنى است؛ از این‌رو اهمیتی ویژه دارد. چندفرزندى می‌تواند تربیت را برای والدین آسان‌تر کند. تکثیر نسل و افزایش تعداد مناسب فرزندان، می‌تواند بر رشد عاطفی و اجتماعى فرزندان و نشاط و حالات روانی والدین، اعتمادبه‌نفس، تقویت حرمت خود، احساس مشرثر بودن، کارآمدی آنها و تداوم حیات و امنیت روانی خانواده تأثیر مثبت داشته باشد. حال آنکه در مقابل با بیان ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندها مشخص خواهد شد تک‌فرزندى به‌خودى خود پیامدهای منفى در شکل‌گیری شخصیت عاطفی فرزند خواهد داشت که به‌صورت طبیعى امنیت روانی خانواده را دچار تهدید خواهد نمود؛ چه آنکه نتایج پژوهش‌های تجربى و مشاهدات بالینی نشان می‌دهد تک‌فرزندها و فرزندان اول بیش از فرزندان میانی و آخر خانواده ممکن است مبتلا به مشکلات درونى‌سازى و برونى‌سازى شده بشوند. بنابراین، تعداد فرزندان در یک خانواده بر ویژگی‌های شخصیتی و رفتارى آنها نقش مهمی می‌تواند داشته باشد (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳). در ادامه ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندها و نقش آن در تهدید امنیت روانی خانواده بیان می‌شود.

۳-۱. وابستگی

از جمله ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان، وابستگی است. هر خانواده‌ای می‌کوشد براساس ارزش‌ها و



باورهای خاص خود فرزندانش را تربیت کند. چگونگی تربیت و نگاهداری از فرزند، طیف گسترده‌ای دارد. در خانواده‌های تک‌فرزند، افراط و تفریط که در واقع دو سر یک طیف‌اند، وجود دارد. افراط در محبت و یا کنترل بیش از حد فرزند، آسیب‌هایی مانند وابستگی و عدم استقلال را در پی خواهد داشت. تک‌فرزند فردی وابسته تربیت می‌شود؛ زیرا پدر و [بیشتر] مادر می‌کوشند از روی دلسوزی یا محبت همه کارهای تنها فرزندشان را انجام دهند و در مقابل تک‌فرزند برای انجام کارهایش به تنهایی تلاش نمی‌کند و همین سبب وابستگی او می‌شود (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۴). درحقیقت این وابستگی شدید والدین و تک‌فرزند، به جهت ترس از دادن تک‌فرزندش، افراط در محبت و کنترل شدید والدین پدید می‌آید. به همین جهت شرایط رشد و شکوفایی و خلاقیت اجتماعی را از فرزندشان می‌گیرند و قدرت انتخاب و حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی در چنین فرزندانی بسیار پایین است (مهدوی و غنیمتی، بی‌تا). اینچنین است که ترس و دلهره از تحقق محرک‌های واقعی یا خیالی در مواجهه با مشکلات هم برای والدین و هم برای تک‌فرزند، امنیت روانی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲-۳. پر توقع بودن

پرتوقع بودن، از جمله ویژگی‌های شاخص در تک‌فرزندان است. مهیاء بودن همه امکانات، رقیب نداشتن، معطوف بودن تمام توجه و محبت پدر و مادر به تک‌فرزند و حکمرانی او در خانواده، سبب پر توقع شدن و خودخواهی او می‌شود. چنانچه همه امکانات در خدمت تک‌فرزند باشد، بر اثر تربیت نادرست و عدم تجربه ناکامی بهینه، انتظارات تک‌فرزند به گونه نامناسب رشد می‌کند (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). در تک‌فرزندان، تلفیقی از نشانه‌های نامطلوب مانند وابستگی، خودستایی، عدم خویش‌داری و اختلالات عاطفی دیده می‌شود (مصباح و همکاران، ۱۳۸۵). تک‌فرزندان از یک سو همه توجه و محبت مادی و معنوی پدر و مادر را به خود جلب می‌کنند و از سوی دیگر، والدین انتظار و توقع جدی و متناسب از آنها نخواهند داشت و به آنها مسئولیت نمی‌دهند. همین امر سبب می‌شود پرتوقع تربیت شوند. در چنین مواقعی تک‌فرزند در مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی زندگی روزمره، سرخورده می‌شود؛ لذا، ترس از مواجهه با این واقعیت‌ها، احساس امنیت روانی را در او مخدوش می‌نماید (فردوسی، بی‌تا).

۳-۳. خودمحوری

موافقت و علاقه افراطی والدین، ویژگی حس خودبینی و از خودراضی بودن را در تک‌فرزندشان پدید می‌آورد (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). آدلر معتقد است تک‌فرزندها خودخواه‌تر از دیگران‌اند و در دوران بزرگسالی نیز همانند کودکی خود، شدیداً در پی آن‌اند که مرکز توجه باشند؛ از این رو احتمال بیشتری هست که ضربات شدید روانی را تجربه کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸). این



خودمحوری تک‌فرزندان در خانواده، سبب می‌شود در عرصه‌های بیرون از خانه که محور توجه نیستند، آسیب روانی ببینند (بیاتی، ۱۳۸۳). تک‌فرزندان نیاز دارند دیگران از ارزش‌ها و کفایت‌های آنها در جایگاه فردی مفید که دستاوردهای پرثمری دارد، آگاه بوده، آنها را قبول داشته باشند. آنها دوست دارند دیگران ضعف‌ها و کاستی‌هایشان را به‌نوعی آشکار نکنند که سبب تحقیرشان شود (شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). به همین جهت برای به دست آوردن احساس امنیت، معمولاً تک‌فرزندان فقط به برقراری روابطی علاقه نشان می‌دهند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را جریحه‌دار نکند (بیاتی، ۱۳۸۳).

۳-۴. عدم تاب‌آوری

از دیگر ویژگی‌های عاطفی کودکان تک‌فرزند، عدم تاب‌آوری است. تاب‌آوری، عامل انعطاف‌پذیری و مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های تنش‌زا و یکی از ویژگی‌های سلامت روان و سازگاری است که از طریق سطوح عواطف مثبت، سبب تقویت عزت‌نفس و مقابله موفق با تجربه‌های منفی می‌شود. حال باتوجه به اینکه والدین تک‌فرزند بیشتر مواقع فرزندانشان را از تجربه هیجانات و احساسات منفی دور کرده، یا امکان آشکار شدن این نوع احساسات را برای آن‌ها فراهم نمی‌کنند، تحمل آنها در برابر این نوع احساسات و همچنین رویارویی با مشکلات ضعیف خواهد شد که این خود سبب کاهش تاب‌آوری این افراد می‌شود (ساطوریان، ۱۳۹۲، ص ۶۶). هرچه حمایت والدین از تک‌فرزندانشان بیشتر شود، قدرت تحمل آنها در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد و از این‌رو بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌شوند. در واقع توجه افراطی والدین به این کودکان سبب تقویت غرور کاذب در آنها شده، توقعاتشان را بالا می‌برد که این تحمل شکست و ناکامی‌ها را برای آنان در جامعه دشوار می‌کند (مرتضوی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۴۷). کودک یا نوجوانی که تنها فرزند خانواده است، به طور طبیعی کمتر با مشکلات روبه‌رو شده در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی و رانده شدن قرار نمی‌گیرد و شرایطی که لازمه بلوغ روحی- روانی است را تجربه نمی‌کند. اگر والدین از تک‌فرزندشان افراطی مراقبت کرده، او را به فردی ضعیف و کم‌تحمل تبدیل کنند، فرزندشان از دیگران نیز چنین رفتاری را انتظار دارند که این موضوع ناتوانی او را شدت خواهد داد. برای نمونه، چنانچه به تک‌فرزند توهین شود، بی‌آنکه قصد و غرضی در کار باشد، این توهین را رفتاری عمدی و به‌پشتوانه نیتی خاص تفسیر می‌کنند، یا چنانچه از مسئله‌ای رنجیده‌خاطر شوند، این حالت را تا مدت‌های مدید در درون خود زنده نگاه می‌دارند (ساطوریان، ۱۳۹۲، ص ۶۷). وجود این احساس، به صورت طبیعی امنیت روانی تک‌فرزند را تهدید می‌کند.

۳-۵. احساس تنهایی

تنهایی، به حالتی ناخوشایند و منفی اشاره دارد و از مقایسه روابط بین‌فردی موجود با وضعیت مطلوب ادراک می‌شود که اغلب افراد می‌کوشند از آن اجتناب کنند. تک‌فرزندان در این باره می‌گویند:



«ناخوشایندترین تجربه تک‌فرزندی همان تنها بودن است». احساس تنهایی تجربه‌ای است که در اثر کمبود تماس‌های اجتماعی، احساس صمیمیت یا حمایت در روابط اجتماعی پدید می‌آید. در صورتی که شمار ارتباطات صمیمی موجود در خانواده کمتر از حد مطلوب باشد، روابط درون خانوادگی انتظارات فرزند را تأمین نکرده و به دنبال دیگران می‌رود و اگر تعامل با دیگران رضایت‌بخش نباشد، احساس تنهایی می‌کند (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). در خانواده تک‌فرزند گاهی کودک احساس می‌کند زیر ذره‌بین والدین است و کوچک‌ترین رفتار او از نظر آنان پنهان نمی‌ماند. این حس از آنجاکه کودک، خود را در کانون توجه می‌بیند و احساس تنهایی نمی‌کند، ارزشمند است؛ اما جنبه‌ای منفی هم دارد. زیرا او خود را در محاصره می‌بیند و کوچک‌ترین خطای وی از نظر والدینش پنهان نمی‌ماند (پیکه‌هارت، ۱۳۹۲، ص ۴۰). تک‌فرزندها معمولاً به برقراری روابطی علاقه‌مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را نیز جریحه‌دار نکند. آنها ممکن است ناراحتی‌های خود را به دیگران نگویند و درون‌گرا شوند. کودکانی که خواهر و برادر دارند، روابط مثبت بیشتر، اعتمادبه‌نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند. تعامل با خواهر و برادر تجربه بسیار متفاوتی است که تک‌فرزندان از آن محروم‌اند (ساطوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰)؛ از این‌رو احساس تنهایی بیشتری می‌کنند که برایشان تحمل شدنی نیست. بچه‌ها وقتی در جمعی باشند که هم‌سن و سال خود را در آن نیابند، خیلی زود خسته شده، برای رهایی از احساس تنهایی کارهایی می‌کنند که در بسیاری از موارد از نظر تربیتی مضّر است. یکی از آنها رفیق شدن با تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای و به تعبیری دقیق‌تر معتاد شدن به فضای مجازی است (مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۲، ص ۴۵). به عبارت دقیق‌تر، تک‌فرزندان در جست‌وجوی جایگزین یا جبران‌اند. در جست‌وجوی جبران، مجموعه‌ای از روابط و جایگزین‌هاست که تک‌فرزند در غیاب روابط خواهر-برادری به آنها متوسل می‌شود. در این میان گاه تک‌فرزند برای جبران به دنیای تخیل پناه برده، در افکار و تصوراتی غرق می‌شود که واقعی نیست. برخی از تک‌فرزندها نیز به «دنیای مجازی» پناه می‌برند. افراد در صورتی که روابط اولیه حمایتی نداشته باشند، به سراغ روابط مرتبه پایین‌تر می‌روند. در غیاب روابط اولیه خانوادگی، روابط خواهر-برادری، روابط مرتبه پایین‌تر مانند دوستی، فضای مجازی و... می‌تواند جانشین جبرانی روابط خانوادگی شود؛ اما هر کدام از روابط، کارکردهای خاص خودشان را دارند. از طرف دیگر، کارکردهای یک نوع، فقط تا حدی می‌تواند با نوع دیگر جبران شود و یا ممکن است اصلاً جبران نشده و برعکس موجب زیان‌های متعددی برای فرزند و خانواده باشد (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶).

۳-۶. اعتمادبه‌نفس

نداشتن اعتمادبه‌نفس، یکی از ویژگی‌های عاطفی در تک‌فرزندان است. آن‌ها اغلب می‌کوشند والدین خود را راضی نگه دارند، روند شکل‌گیری و تقویت اعتمادبه‌نفس در آنها متفاوت است. نوع واکنش والدین به عملکرد تک‌فرزندشان اثر بسزایی در اعتمادبه‌نفس آنها دارد. تک‌فرزندان بخش زیادی از



اعتماد به نفس را از محیط خارج، از دستاوردهای کارهایشان و از پذیرفته شدنشان به دست می‌آورند. هر زمان که تک‌فرزندان احساس کنند بی‌کفایت شده، توجه و تأیید دیگران را از دست داده‌اند، احساس کاهش اعتماد به نفس، ناامنی، ناامیدی و اضطراب خواهند کرد و ممکن است به بی‌تمایلی به برقراری ارتباط، بی‌تفاوتی و گوشه‌گیری دچار شوند (ساطوریان، ۱۳۹۲، ص ۶۹).

۳-۷. ضعف در روابط احساسی

ضعف در روابط احساسی به ناتوانایی افراد در هدایت رفتارهای هیجانی اشاره دارد و سه درون‌مایه فرعی «احساسات تجربه نشده»، «پنهان‌کاری حالات درونی» و «زودرنج و حساس بودن» را دربرمی‌گیرد. احساسات تجربه نشده، احساساتی است که تک‌فرزند امکان تجربه آنها را نداشته است. تک‌فرزندها کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند. آنها دوست و همدمی در منزل ندارند؛ از این‌رو برخی از احساسات را تجربه نکرده، فرصتی برای عقلانی کردن و مدیریت آنها نخواهند داشت (پیکه‌هارت، ۱۳۹۲، ص ۴۰). پنهان‌سازی حالات درونی، درون‌مایه دیگری است که حکایت از این دارد که تک‌فرزند برای پیشگیری از ناراحتی والدین از گفتن واقعیت طفره می‌رود یا می‌کوشد مسائل و مشکلات خود را بروز ندهد و احساسات خود را پنهان کند؛ چه آنکه زودرنج و حساس بودن به میزان تحمّل پایین تک‌فرزند در دستیابی به خواسته‌ها اشاره دارد. حمایت شدید و دائمی از تک‌فرزند و تأمین خواسته‌های او ممکن است میزان تحملش در دستیابی به خواسته‌هایش را کاهش دهد. درهرحال رویدادهای منفی بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی است؛ بنابراین، کنار آمدن با احساسات منفی که این رویدادها ایجاد می‌کنند، برای روابط اجتماعی مناسب، حیاتی است (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶)؛ به همین دلیل تک‌فرزند در مواجهه با رویدادهای منفی یا حتی احتمال وقوع آنها، احساس آرامش‌خاطر نداشته و امنیت روانی او در معرض آسیب است.

۳-۸. بلوغ زودرس یا دیررس

از ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان که امنیت روانی والدین و نیز فرزندان را دچار تهدید می‌کند، زودرس یا دیررس بودن بلوغ در این فرزندان است. تک‌فرزند در شرایط طبیعی می‌تواند فرایند بلوغ را همانند دیگران طی کند؛ اما از آنجاکه آنان در واقع هم‌سن و سالی ندارند که با آنها بچگی کنند و همیشه با بزرگسالان (پدر و مادر و گاهی پدربزرگ و مادر بزرگ) سروکار داشته، حتی با آنها بازی می‌کنند، زودتر از کودکان دیگر رفتارهای بزرگسالانه و بالغانه نشان می‌دهند؛ از این‌رو، معمولاً بلوغ زودرس دارند (آل یاسین و فریدونی، ۱۳۹۵، ص ۴۹) که به‌صورت طبیعی امنیت روانی والدین و نیز تک‌فرزند را در مواجهه با گروه همسالان خود تهدید می‌کند. از سوی دیگر، بلوغ روحی و روانی پدیده‌ای کاملاً ارثی نیست، بلکه پدیده‌ای اکتسابی است. این بلوغ مواردی همچون شناخت خود، میزان واقع‌بینی و انتخاب مؤثر را



شامل می‌شود و به راحتی به دست نمی‌آید؛ بلکه به تجربه‌های سخت و طاقت‌فرسا نیاز دارد. کودک تک‌فرزند کمتر با مشکلات مواجه شده، در معرض شکست و ناکامی و رانده شدن قرار نمی‌گیرد؛ از این رو شرایطی که لازمه بلوغ روحی - روانی است را تجربه نمی‌کند؛ چون آنها دوست و همدمی در منزل ندارند، تا برخی از احساسات را تجربه کرده و فرصتی برای عاقلانه کردن و کنترل و مدیریت آنها داشته باشند (پیکه‌هارت، ۱۳۹۲، ص ۴۰). بنابراین، ممکن است برخی از تک‌فرزندان دیرتر از هم‌سن و سالان خود به بلوغ و پختگی رسیده و احساس وجود آرامش خاطر را تجربه نکنند.

۳-۹. ترس از طرد شدن

تک‌فرزندان به دلیل نداشتن خواهر یا برادر، والدین خود را خواهر یا برادر تصور می‌کنند. در چنین خانواده‌هایی، والدین تنها همدم فرزندشان‌اند. این کودکان برای اینکه پذیرفته شوند، می‌کوشند رضایت والدین خود را جلب کنند؛ یعنی همان رفتاری که یک کودک با دوستان خود دارد. این گونه تطبیق دوستانه برخاسته از ترس است و کودکان را زیر فشار روانی می‌گذارد؛ زیرا چنانچه این تطبیق انجام نشود، ممکن است انتقاد شده، طرد شوند یا همواره زیر فشار مخالفت دیگران باشند. کودکان تک‌فرزند درمی‌یابند که تقلید از والدین، تحسین آنان را در پی دارد و سرپیچی از برخی خواسته‌های والدین سبب از دست دادن موقت چنین موقعیتی است. یکی از مشکلات تک‌فرزندان این است که والدینشان تنها همدم آنها در محیط خانه‌اند؛ از این رو با تقلید از آنها و از دست دادن استقلال شخصیتی خویش، می‌کوشند رضایت آنها را جلب کنند که این فرایند سبب می‌شود تک‌فرزندان زیر فشار باشند. بسیاری از والدین تک‌فرزند متوجه نمی‌شوند که چه تأثیر عمیقی بر تنها فرزند خود دارند و فرزندشان چه فشاری را تحمل می‌کند تا شبیه والدین خود شود و رضایت آنها را به دست آورد. در مقابل وجود چند فرزند در خانواده سبب می‌شود تمایل فرزندان به جلب رضایت والدین کاهش یابد و از این فشار روانی و احساس منفی طرد، رهایی یابند (پیکه‌هارت، ۱۳۹۲، ص ۴۰) و میزان قابل قبولی از امنیت روانی را به دست آورند.

۳-۱۰. احساس گناه

بسیاری از تک‌فرزندان با مشاهده هر مشکلی در خانواده عذرخواهی می‌کنند، بدون اینکه نقشی در پیدایش آن مشکل داشته باشند. آنها می‌گویند: «چون من در مرکز توجه والدینم هستم، اگر آنها دچار مشکلی شوند، گمان می‌کنم که من نیز در آن نقشی داشته‌ام. اگر من حالم خوب باشد، آنها هم خوشحال‌اند. پس اگر آنها ناراحت شدند، باید از من ناراحت باشند. بنابراین، مسئولیت خوشحال کردن و رفع ناراحتی آنها برعهده من است». تک‌فرزندی که رابطه‌ای صمیمانه با والدین خود دارد، به توافق نداشتن والدین خود نیز حساس است و می‌کوشد به آن پایان دهد. او خود را بین طرفین دعوا محصور می‌بیند و فشار روانی زیادی را تحمل می‌کند. والدین یا تک‌فرزند در مواقعی که نمی‌توانند



وظیفه خود را به‌درستی انجام دهند، احساس گناه می‌کنند و گاهی نیز برای تسلیم کردن یکدیگر، احساس گناه طرف مقابل را برمی‌انگیزند (پیکهات، ۱۳۹۲، ص ۴۰). به همین جهت است که تحت این فشار روانی، سطح قابل‌قبولی از آرامش خاطر و امنیت روانی را در زندگی و در تعامل با والدین تجربه نمی‌کنند.

۳-۱۱. نشاط، امید و رضایت از زندگی

یکی دیگر از ویژگی‌های عاطفی تک‌فرزندان، نداشتن نشاط، امید و رضایت از زندگی است. تک‌فرزندان به دلیل تنها بودن و نداشتن خواهر یا برادر در خانواده و نبود رابطه نزدیک با همسالان و از طرفی نیاز به برقراری رابطه بیشتر با همسالان و کسب تجارب تازه از آنان که لازمه زندگی اجتماعی فرزندان است و به طور غیرمستقیم در میزان شادی و رضایت خاطر و به تبع آن، امید به فردای بهتر تأثیرگذار است، از نشاط و رضایت کمتری برخوردارند؛ اما در خانواده‌های چند فرزند، میزان شادی، رضایت از زندگی و امید به آینده بیشتر است (آل یاسین و فریدونی، ۱۳۹۵). تک‌فرزندان وقتی آگاه می‌شوند که در خارج از خانواده مانند مدرسه کانون توجه نیستند، به مشکلاتی دچار می‌شوند؛ زیرا یاد گرفته‌اند نه تقسیم کنند، نه رقابت. بنابراین، اگر توانایی‌های آنها توجه و تأیید کافی را به ارمغان نیاورد، احتمالاً احساس ناامیدی خواهند کرد؛ حال آنکه در خانواده‌های چند فرزند، احساس پشتوانه با داشتن خواهر و برادر سبب نشاط بیشتر و تقویت دید مثبت به زندگی و افزایش امیدواری، آرامش خاطر و امنیت روانی در فرزندان می‌شود.

۳-۱۲. تمایز نیافتگی استقلال فرد

یکی از ویژگی‌هایی که در اثر روابط درون خانواده شکل می‌گیرد، تمایز نیافتگی است. خانواده، نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل پدیدآورنده تمایز نیافتگی و استقلال فرد است. در جامعه انسانی نوعی نیروی زندگی هست که ریشه‌گریزی داشته، کودک روبه‌رشد را به شخصی دارای عواطف مستقل تبدیل می‌کند که می‌تواند تفکر احساس یا عمل داشته باشد. در واقع این نیرو، افراد را به تمایز نیافتگی سوق می‌دهد. همزمان نیروی دیگری نیز که آن هم ریشه‌گریزی دارد، کودک و خانواده را به حفظ پیوندهای هیجانی یا با هم بودن می‌کشاند. در نتیجه این نیروهای تعادلی هیچ‌کس به جدایی هیجانی کامل از خانواده نمی‌رسد؛ اما از لحاظ مقدار تمایز، تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد. همچنین از لحاظ استقلال هیجانی که فرزندان یک خانواده به آن می‌رسند نیز اختلاف‌هایی وجود دارد (قائدی و همکاران، ۱۳۹۵). در میان خانواده‌های تک‌فرزند، صمیمیت عمیقی برقرار است و زمینه رقابت با خواهران و برادران فراهم نیست و همه توجه والدین به کودک معطوف است. همین توجه افراطی والدین می‌تواند باعث وابستگی شدید عاطفی بین والد و کودک شود. در این خانواده‌ها انتظار بیشتری از کودک



دارند. این کودکان همه عمر خود را تحت فشار والدین برای موفقیت در زندگی اند (رضایی ترنگی، ۱۳۹۲). در چنین روابط حساس و پراضطرابی، تک‌فرزندان از آزمودن احساساتی که در روابط درون خانواده شکل می‌گیرد، محروم می‌مانند. از این‌رو خودمختاری آنها کاهش می‌یابد. به طور طبیعی استقلال عاطفی نوجوانان چندفرزند نسبت به نوجوانان تک‌فرزند بیشتر است. در واقع این افراد همراه با استقلال در روابط بین‌فردی، سطحی از تمایز یافتگی را نشان می‌دهند که بیانگر میزان بلوغ عاطفی آنهاست. افزون‌بر این، افراد تمایز یافته از هیجانات خود، آگاه و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت و توانایی رشد مستقل در روابط صمیمی‌اند و در روابط عمیق، آرامش و راحتی خود را حفظ می‌کنند؛ درحالی‌که افراد کمتر تمایز یافته به هم‌جوشی با دیگران متمایل شده و یا به جدایی عاطفی تن می‌دهند؛ از این‌رو، هنگام رویارویی با صمیمیت عاطفی، واکنش اضطرابی نشان می‌دهند. همچنین این افراد از سطح سلامت روانی اجتماعی خودکنترلی پایین‌تر و مشکلات عاطفی بیشتری رنج می‌برند. تمرکز افراطی والدین بر کودک یکی از مشکلات خانواده‌های تک‌فرزند است که این تمرکز باعث تمایز ناپذیری از ایگوی خانواده و شکل‌گیری اضطراب مزمن و بروز مشکلات رفتاری در آنها می‌شود (قره‌باغی و همکاران، بی‌تا).

۳-۱۳. کمال‌طلبی

آرزوهای بلند، همواره دام‌هایی در راه والدین و تک‌فرزندان می‌گستراند. یکی از دام‌های والدین، برطرف کردن محرومیت‌ها یا تحقق آرزوهای دست نیافته خود از طریق تنها فرزندشان است. در مقابل تلاش برای دست یافتن به آرزوهای والدین و بی‌عیب‌ونقص بودن در همه کارها و برنامه‌ها، از دام‌های تک‌فرزندان است که به کمال‌گرایی منجر خواهد شد. وقتی والدین همه توجه خود را به تنها فرزندشان معطوف می‌کنند، فشاری را به او منتقل می‌نمایند که سبب می‌شود همه تلاش خود را به گونه مطلوب به کار گیرد و انتظارات والدین را برآورد، تا ثابت کند شایستگی این همه توجه را دارد. این نوع تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن، فشار دوگانه‌ای را به کودک تحمیل می‌کند؛ بی‌عیب‌ونقص بودن پرهیز از اشتباه به هر قیمتی و همیشه عالی بودن (فرار از شکست و ناکامی به هر قیمتی) (شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). ایده‌آل‌هایی چون اصرار بر کامل بودن مانند شمشیری دولبه است؛ هم می‌تواند تشویق و تحریک‌کننده باشد و هم عامل یأس و ناامیدی. ایده‌آل بودن انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست؛ زیرا هر انسانی ممکن است خطا کند؛ ولی کودک تک‌فرزند ممکن است نتواند غیرواقعی بودن این نوع ایده‌آل‌گرایی را تشخیص دهد و از این‌رو فشار روانی و اضطراب دردآوری را تجربه کند. احساس همه یا هیچ از ویژگی‌های مشترک کودکان تک‌فرزند است. اگر کودکی به آرمان‌های خود نرسد، صرف‌نظر از میزان تلاش خود، احساس ناکامی شدیدی خواهد کرد. این نوع احساس ناکامی و ناامیدی ممکن است تا بزرگسالی، یعنی هنگامی که خود را ملزم به تأمین آرزوهای بلندپروازانه خود یا والدین ندانند، ادامه داشته باشد (پیکه‌هارت، ۱۳۹۲،



ص ۴۰). در برخی مواقع نیز این کمال‌طلبی جزو ویژگی‌های شخصیتی فرد شده و همیشه با او خواهد ماند، به‌گونه‌ای که تک‌فرزند در دوره سنی بزرگسالی نیز از تجربه احساس آرامش خاطر و امنیت روانی محروم می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مسائل بسیار مهم و اثرگذار در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، اجتماعی و تعامل‌ها و روابط بین افراد، «امنیت» و نقش زیربنایی و مهم آن است؛ تا آنجا که در قاموس اندیشه اسلام نعمت امنیت از اساسی‌ترین نیازهای بشر در زندگی دنیوی و بستر ساز کسب دیگر نعمت‌ها شمرده شده است. از میان اقسام امنیت، امنیت روانی اهمیت ویژه و جایگاهی محوری دارد؛ امنیت عینی زمانی اثربخش است که وجود آن احساس شود و افراد از نظر روانی هم احساس امنیت کنند. در این میان، خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع نقش محوری در ایجاد و ارتقا امنیت روانی خانواده و جوامع دارد. با این‌همه در جوامع کنونی، تک‌فرزندی ارادی و تغییر در ساختار خانواده و کاهش تعداد فرزندان، امنیت روانی درون خانواده را نیز تغییر داده و رشد عاطفی و اجتماعی فرزندان، نشاط و حالات روانی والدین، کارآمدی آنها و تداوم حیات و امنیت روانی خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. در خانواده‌های تک‌فرزند، افراط در محبت و یا کنترل بیش از حد فرزند، سبب وابستگی و عدم استقلال می‌شود. از طرف دیگر، هرچه حمایت والدین از تک‌فرزندانشان بیشتر شود، قدرت تحمل آن‌ها در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد و از این‌رو بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌شوند. چراکه توجه افراطی والدین به این کودکان سبب تقویت غرور کاذب در آنها شده، توقعاتشان را بالا می‌برد؛ به همین جهت، حمایت شدید و دائمی از تک‌فرزند و تأمین خواسته‌های او، میزان تحملش در دستیابی به خواسته‌هایش را کاهش می‌دهد. مهیاء بودن همه امکانات، رقیب نداشتن، معطوف بودن تمام توجه و محبت پدر و مادر به تک‌فرزند و حکمرانی او در خانواده، سبب پر توقع شدن، تقویت غرور کاذب، خودخواهی، وابستگی، خودستایی، عدم خویشتن‌داری و اختلالات عاطفی در او می‌شود. افزون‌بر آنکه سبب می‌شود در عرصه‌های بیرون از خانه که محور توجه نیستند، آسیب روانی ببینند و تاب‌آوری در آنها به‌عنوان عامل یکی از ویژگی‌های سلامت روان و انعطاف‌پذیری و مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های تنش‌زا، دچار ضعف می‌شود. به همین جهت تک‌فرزندها معمولاً به برقراری روابطی علاقه‌مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد، لذا احساس کاهش اعتمادبه‌نفس، ناامنی، ناامیدی و اضطراب خواهند کرد و ممکن است به بی‌تمایلی به برقراری ارتباط، بی‌تفاوتی و گوشه‌گیری دچار شوند و فرصتی برای عاقلانه کردن و کنترل و مدیریت احساسات خود در تعامل با دیگران و رسیدن به بلوغ روحی - روانی ندارند. در نتیجه خودمختاری و استقلال عاطفی آنها کاهش می‌یابد و به طور غیرمستقیم در میزان شادی و رضایت خاطر و به تبع آن، امید به فردای بهتر



تأثیرگذار است و از نشاط و رضایت کمتری برخوردارند؛ مجموع این ویژگی‌ها و شاخصه‌های عاطفی در تک‌فرزندان، مشخص می‌کند که تک‌فرزندی به‌خودی‌خود پیامدهای منفی در شکل‌گیری شخصیت عاطفی فرزند خواهد داشت و به‌صورت طبیعی امنیت روانی خانواده به‌ویژه خود تک‌فرزند را دچار تهدید خواهد نمود.



منابع

- آل‌یاسین، سید علی؛ فریدونی، سمیه (۱۳۹۵). مقایسه مثبت‌نگری امید به زندگی و رضایت از زندگی بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزندی و چند فرزند. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، شماره ۱۱، ص ۴۹-۶۵.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). امنیت و ابعاد آن در قرآن. *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۵، ص ۱۰-۲۶.
- بیاتی، فاطمه (۱۳۸۳). مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چند فرزند مقطع راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه الزهراء.
- پیکهارت، کارل (۱۳۹۲). کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند. ترجمه مسعود حاجی‌زاده. تهران: دانه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جیمز، ویلیام (۱۳۷۲). *دین و روان*. ترجمه مهدی قائنی. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رضایی‌تزنکی، مریم (۱۳۹۲). بررسی مقایسه استقلال عاطفی و دلبستگی نوجوانان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند مادران شاغل و غیرشاغل شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ساطوریان، سید عباس (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد والدگری: رابطه والد - کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی، مؤسسه امام خمینی قم.
- ساطوریان، سید عباس و همکاران (۱۳۹۳). مقایسه مشکلات درونی و برونی سازی شده کودکان در خانواده‌های تک و دو فرزند. *روانشناسی و دین*، شماره ۲۷، ص ۶۵-۸۰.
- شاملو، سعید (۱۳۷۸). *بهداشت روان*. تهران: رشد.
- شجاعی، جواد؛ یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۶). تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزند. زن در توسعه و سیاست، شماره ۴، ص ۴۴۲-۴۵۹.
- شریفی، محمدرضا (۱۳۷۶). *خانواده متعادل*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- شولتز، دو آن؛ شولتز، سیدنی آلن (۱۳۹۷). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه سید محمدی. تهران: ویرایش.
- شیرازی، الهام (۱۳۸۶). *تک‌فرزند*. تهران: نشر قطره.
- صمدی‌ارزگانی، قنبرعلی (۱۳۸۷). امنیت مهدوی، الگوی جامعه امن. *مشرق موعود*، شماره ۶، ص ۶۹-۸۳.
- فردوسی، سیما (بی‌تا). تک‌فرزندان پرتوقع‌اند. *حلقه وصل*، شماره ۵۶، ص ۹۱-۱۱۲.
- قائدی، فهیمه و همکاران (۱۳۹۵). تمایز یافتگی و تفکر ارجاعی: نقش واسطه‌ای درماندگی آموخته شده. *شناخت اجتماعی*، شماره ۹.
- قره‌باغی، فاطمه و همکاران (بی‌تا). تمایز یافتگی و نشانه‌های اضطراب مزمن در سیستم هیجانی خانواده. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، شماره ۱، ص ۲-۲۲.
- لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). *بحارالانوار*. بیروت: دارالفکر، ج ۷۵.



مرتضوی، مهناز و همکاران (۱۴۰۱). تک فرزندی و چالش‌های آن؛ راهنمای عملی برای مشاوران. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۲). بررسی پدیده تک‌فرزندی با استفاده از نتایج سرشماری‌های سال ۱۳۸۵.

مرکز تحقیقات زن و خانواده (۱۳۹۲). تحولات جمعیتی ایران، عوامل، پیامدها، راهبردها.

مصباح، علی و همکاران (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.

مهدوی، محمدصادق؛ غنیمتی، حسن (بی‌تا). فرزندسالاری. پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۳۵، ص ۱۰۷-۱۲۱.

همدانی، محمدعلی؛ حسینی، محمود (بی‌تا). سازوکار تأمین امنیت روانی خانواده. معرفت، شماره ۲۸۹، ص ۳۰-۴۷.